

# مزموم

آرگان مرکزی حزب توده ایران

## آن همبستگی که تاریخ بیاد ندارد

و تکامل ثروت های عظیم خود دفاع کند - هنگامیکه پای دفاع از کشور کوچک ما بمیان آمد، در استقبال از خطر جنگ و خیم ترزلزل بخود راه نداد. تاریخ ناظر این همبستگی را بیاد ندارد.

اینست کمونیسم.

اینست اترنالیسم.

... من نمیتوانم سفرانی خود را بیابان رسانم بدون اینکه عمیقترین سیاستگراری خود را نسبت بکسی که دوستی بین ملل ما را استوار کرده است یعنی شخص رفیق نیکیتا سرگینویچ خروشچف ابراز دارم. ما از صمیم قلب با او و در وجود او به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت کامیابپاشی که کشور شوروی تحت رهبری شخص وی در راه ساختمان کمونیسم بدست آورده است شادباش میگوئیم.»

( از نطق فیدل کاسترو در میتینگ بزرگ دوستی شوروی و کوبادر شهر مسکو - ۲۳ مه ۱۹۶۳ )

### وحدت عمل عناصر توده ای

و ملی یک ضرورت تاریخی است

این مقاله مهم را در صفحه ۲ و ۳ مطالعه بفرمائید.

«... کشوری که بخاطر دفاع از یک ملت کوچک، آنهم ملتی که هزاران کیلومتر از آن دورتر است، تمام نعمی را که بیهای چهل و پنج سال کار خلاق و قربانیهای عظیم بدست آورده بود، در معرض خطر جنگ هسته ای قرار داد، - چنین کشوری با تمام مجد و عظمت خود میدرخشد. کشور شوروی که در زمان جنگ کبیر میهنی علیه فاشیست ها بیش از مجموعه جمعیت کوبا قربانی داد تا از حق حیات

## توطئه جدید در اوتانوا

سایر جلسات صلاحیتدار طرح گردیده است. در مذاکراتیکه اخیراً در ژنو صورت گرفت، حسن نیت اتحاد شوروی بار دیگر به ثبوت رسید. ولی این دولتهای عضو پیمان اتلانتیک و در رأس آنها ایالات متحده امریکاهستند که با انواع مانورها و کارشکنیا مانع تحقق ختم و منع آزمایش اتمی و اجرای خلع سلاح هستند. آنچه در باره خطر تجاوز به برلین و آلمان غربی گفته میشود دروغ فاشیست که هیچکس را نمیفرید. اتحاد شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان چند سال است که طرح انعقاد پیمان صلح با دولت آلمان غربی را پیشنهاد کرده اند. در این طرح و در پیشنهاد های مکرر اتحاد شوروی تضمینات کافی ذکر شده است. اگر اتحاد شوروی بقیه در صفحه ۲

در مذاکراتیکه در اوتانوا میان وزرای امور خارجه و دفاع کشورهای عضو پیمان اتلانتیک صورت گرفت، قدمهای تازه ای در تشدید وخامت اوضاع بین المللی، تقویت خطر جنگ و ادامه مسابقه تسلیحاتی برداشته شد. در اعلامیه ای که در پایان مذاکرات صادر شد تصمیمات کنفرانس اوتانوا بیان شده است. در این اعلامیه گفته میشود که شرکت کنندگان پس از مشاوره تصمیم گرفتند که یک نیروی اتمی تحت فرماندهی فرمانده عالی دول عضو پیمان در اروپا بوجود آورند. بمنظور اجرای این تصمیم یک واحد بمب افکن انگلیسی از نوع «و» و سه زیردریائی امریکائی مجهز به موشکهای پولاریس در اختیار فرمانده عالی پیمان اتلانتیک قرار خواهد گرفت. از این پس افسران کشورهای عضو پیمان دایره

عملشان بشرکت در تهیه «طرحهای عملیاتی» محدود نخواهد بود و در «فعالتهای عملیاتی اتمی» شرکت وسیعتری خواهند داشت. علاوه بر این، در اعلامیه گفته میشود وزرای شرکت کنندنده در کنفرانس تصمیماتی که بمنظور تقویت ظرفیت اتمی پیمان اتخاذ شده است، با رضایت تلقی میکنند و تقویت پیمان اتلانتیک هم در زمینه سلاحهای اتمی و هم در زمینه سلاحهای غیر اتمی ادامه خواهد یافت. یکی از نتایج مهم کنفرانس اوتانوا تحقق قسمتی از مطالبات میلیتاریستهای آلمانیست. دولت ادنائر وستاد ارتش آلمان غربی که اکثر آفران ارتش هیتلری تشکیل شده است از مدتها پیش کوشش میکرد که سلاحهای اتمی دست یابد و از این نیروی تخریبی وحشتناک برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کند. کنفرانس اوتانوا در حقیقت با مقاصد ارتش آلمان غربی موافقت کرده است و از این پس افسران آلمانی نه تنها در تنظیم «طرحهای عملیاتی» بلکه در «فعالتهای اتمی» نیز شرکت فعال خواهند داشت.

در اعلامیه گفته میشود که اتحاد شوروی خود را بحل و فصل مسائل متنازع فیه مشتاق نشان نداده است و خطریکه آلمان غربی و برلین را تهدید میکند مرتفع نشده است. آنچه در اعلامیه کنونی اوتانوا درباره سیاست اتحاد شوروی گفته میشود سرتاپا دروغ و خلاف حقیقت است. همه میدانند که اتحاد شوروی همیشه ختم منع آزمایشهای اتمی و اجرای خلع سلاح کامل و عمومی را یکی از مهم ترین نکات سیاست خارجی خود قرار داده است. تاکنون پیشنهادهای مکرری از طرف دولت اتحاد شوروی، باین منظور در سازمان ملل متحد و در

## رشد جنبش آزادیبخش ملی

### در شرایط

### همزیستی مسالمت آمیز

مسئله تأثیر سیاست همزیستی مسالمت آمیز در جنبش آزادیبخش ملی، بویژه برای خلقهائی که در راه استقلال و آزادی خود مبارزه میکنند، دارای اهمیت اساسی است. زیرا مردم کشور های مستعمره، وابسته و نواستقلال از یکطرف مانند سایر خلقهائی جهان خواهان صلح اند و برای جلوگیری از جنگ جهانی هسته ای مبارزه میکنند و از طرف دیگر بر ضد سیاست استعماری کهنه و نوامیریالیسم در پیکارند. برای آنها مسئله بدین شکل مطرح است که آیا سیاست همزیستی مسالمت آمیز - که بعنوان بهترین شکل جلوگیری از جنگ جهانی شناخته شده است - تقویت کننده جنبش آزادیبخش ملی است یا تضعیف کننده آن؟

ایا پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز سیستمهای مختلف اجتماعی یعنی همزیستی خلقهائی کشورهای کم رشد با طبقات حاکمه مرتجع داخلی و امپریالیسم خارجی است؟ آیا مبارزه خلقها در راه آزادی و استقلال منافی با پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز است و یا به این سیاست لطمه میزند؟ باید تأکید کرد که سیاست همزیستی مسالمت آمیز - هم در تئوری و هم در عمل - نه جنبش آزادی بخش ملی را تضعیف میکند نه بمعنی همزیستی خلقهائی کشور های کم رشد با طبقات حاکمه مرتجع داخلی و امپریالیسم خارجی است و نه با مبارزه خلقها در راه آزادی و استقلال منافات دارد. برعکس امکان تقویت و رشد جنبش آزادیبخش ملی در شرایط همزیستی مسالمت آمیز بیشتر است و مبارزه با امپریالیسم خارجی و عمل داخلی آنها که برانگیزاننده و پشتیبان جنگ و تجاوزاند، بحفظ صلح و پیروزی همزیستی مسالمت آمیز کمک جندی میکند.

\*\*\*

جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را که تداوم جنگ جهانی و تشدید کننده خطر آن است، امپریالیستها برآه انداختند. امپریالیستها جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی را اینطور توجیه میکنند که گویا از جانب کشورهای سوسیالیستی «خطر تجاوز» وجود دارد. بنا بر این باید برای «دفاع» آماده بود. نتیجه این «آمادگی برای دفاع» در برابر تجاوز کمونیسم، برای کشورهای کم رشد این است که:

(۱) امپریالیستها که دشمن اصلی و واقعی خلقها هستند و همانها هستند که با آزادی و استقلال خلقها تجاوز کرده اند و میکنند این ماهیت تجاوزکارانه را پوشانند و بین خلقها احساس بدبینی، عدم اعتماد و کینه یاروگاه سوسیالیسم که دوست واقعی و پشتیبان صدیق آنها در مبارزه بخاطر آزادی و استقلال اند بوجود آورند.

(۲) رژیمهای ارتجاعی در کشورهای کم رشد به بهانه «حفظ استقلال» آزادیهای مردم را پایمال سازند و جنبشهای ملی و ضد استعماری را که خواهان تشدید مبارزه بر ضد امپریالیسم و تقویت و تحکیم دوستی و همکاری با اردوگاه سوسیالیسم هستند بعنوان «خائن» بمصالح ملی، سرکوب کنند.

(۳) امپریالیستها و مرتجعین واقعی زیر نام «دفاع» در برابر تجاوز کمونیسم، این کشورها را به بیجانهای نظامی بکشاند، خاک آنها را بیابگاه تجاوز بر ضد اردوگاه سوسیالیسم و سایر کشورهای صلح دوست مبدل سازند و آنها را در زیر فرمان امپریالیسم بهمکاری با امپریالیسم وادارند و بدین ترتیب استقلال آنها را واقفا از بین ببرند.

(۴) امپریالیست ها و مرتجعین داخلی بین ناسیونالیستها و کمونیستها تفرقه نفاق و دشمنی بیافزایند و از اتحاد آنها بر ضد دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم، که خواه ناخواه بنفع امپریالیسم تمام میشود جلوگیری کنند.

(۵) حکومتیهای ارتجاعی تحت عنوان «آمادگی برای دفاع از استقلال» دائماً بر بوجه نظامی بیافزایند، بقیه در صفحه ۲

## کنگره جهانی زنان در مسکو

از ۲۴ تا ۲۹ ژوئن ۱۹۶۳

در این اواخر در روزنامه های خبری ایران مکرر بچشم میخورد که از سازمانهای زنان ایران دعوت شده است که در کنگره جهانی زنان که از ۲۴ تا ۲۹ ژوئن در مسکو جریان خواهد داشت شرکت نمایند. بنا بر خبرهای بعدی از طرف شورای عالی زنان هیتی برای شرکت در این کنگره انتخاب شده است و همچنین سایر سازمانهای زنان نیز در نظر دارند که هیتائیرا بنماینندگی بفرستند.

باید متذکر بود فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان که تشکیل دهنده این کنگره است اولین مرتبه نیست که از سازمانهای زنان ایران بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی و همچنین از شخصتهای زن کشور ماد دعوت بعمل آورده است.

ولی تا بحال یگانه سازمانیکه از همان اوان تشکیل فدراسیون این دعوت را اجابت کرده و عضو ثابت این سازمان بزرگ بین المللی شده است تشکیلات دموکراتیک زنان ایران بوده است که همیشه بوسیله شرکت نمایندگان خود در کنگره ها و کنفرانسهای این سازمان مترقی بین المللی شرکت جسته است و در راه مبارزه خستگی ناپذیری که این سازمان طی کرده شریک و سهمیم بوده است.

در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ یعنی بلافاصله پس از ختم جنگ بین المللی دوم ۸۵۰ تن زن بنماینندگی از طرف ۱۸۱ سازمان زنان متعلق به ۴۰ کشور

برای پایان دادن به فترت و اجرای انتخابات آزاد مبارزه کنید!



بقیه از صفحه ۱

# توطئه جدید در اوتوا

خیال تعرض بیرلین غربی یا آلمان غربی را داشت، هرگز این پیشنهادها را طرح نمیکرد.

حقیقت اینست که وجود پیمانهای نظامی نظیر پیمان اتلانتیک، ستو و ستو برای مقاصد تجاوزکارانه امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا دارای اهمیت است. این پیمانها وسیله ایست برای تسلط بر بخش عظیمی از جهان، تهدید دائم اردوی سوسیالیستی و تشدید مسابقه تسلیحاتی. از این پیمانها انحصارات بزرگ صنعتی آمریکا و سایر کشورهای عضو اتلانتیک سود میبرند و بهین جهت برای بقا و تحکیم آنها اصرار میورزند.

سیاست دولت اتحاد شوروی بر اصل همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای سیستمهای مختلف اجتماعی استوار است. اتحاد شوروی هرگز قصد تجاوز به هیچیک از کشورهای جهان را ندارد و با تمام قوا با هرگونه نقشه تجاوزکارانه مبارزه میکند. ولی در عین حال، اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوی سوسیالیستی، لحظه ای از تقویت نیروی دفاعی خود که در حقیقت نیروی حافظ صلح جهانی است غافل نیستند. اتحاد شوروی خواهان جنگ

نیست، ولی آماده است که اگر استقلال و حاکمیت هر یک از کشورهای اردوی سوسیالیستی مورد تعرض امپریالیستها قرار گیرد، در نخستین لحظه، با ضربات درهم شکن خود آنها را نابود کند. آن روزگاری که امپریالیستها میتوانند بدون بیم از مجازات کشورهای و ملل صلحجو را مورد تعرض قرار دهند گذشته است. امروز دیگر انحصارات بزرگ صنعتی و مالی نمیتواند آسوده خاطر نقشه های اهریمنی خود را اجرا کنند. در جهان امروز، یک اردوی بزرگ سوسیالیستی وجود دارد که حافظ حقوق و منافع تمام ملتها و خلفهاست. این اردوی بزرگ در تکامل حوادث بین المللی نقش قاطع بعدیه دارد.

از آن روزها که جان فوستر دالس برای ایجاد و تقویت پیمانهای تجاوزکارانه قاره های جهان را در هم میزوردید سالیانی گذشته است. دالس در سال ۱۹۵۷ فکر میکرد که با این پیمانها، دموکراسیهای توده ای را «آزاد» خواهد کرد و

بقیه از صفحه ۱

# رشد جنبش آزادیبخش ملی در شرایط همزیستی مسالمت آمیز

دست امپریالیستها را در غارت منابع ثروت ملی باز گذارند و در نتیجه فقر زحمتکششان را تشدید کنند و کشور را قدم بدم پیرنگه ورشکستگی کامل اقتصادی نزدیکتر سازند و وابستگی آنها با امپریالیسم عمیقتر گردانند. چنین است بطور خلاصه عمده ترین نتایج جنگ سرد و تدارک جنگ جهانی از طرف امپریالیستها برای کشورهای کم رشد. اگر امپریالیستها در اجرای این سیاست هر روز با مشکلات بیشتری مواجه میشوند و شکستهای جدیدی را متحمل میگردند، باید آنها نتیجه قدرت روزافزون اردوگاه سوسیالیسم و در رأس آن اتحاد شوروی دانست که ضمن ادامه پیگیری سیاست همزیستی مسالمت آمیز، بی امان بر ضد توطئه های جنگ طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیسم مبارزه میکند و بیدریغ و با تمام نیرو و امکان خود از جنبش آزادیبخش ملی پشتیبانی مینماید. در نتیجه آنست که خلفا ضمن مبارزه به خاطر جلوگیری از جنگ جهانی، پیکار خود را بر ضد امپریالیسم، یعنی منشاء جنگ، تشدید میکنند و توسعه میدهند.

حال اگر بر اثر همین عوامل فوق - که آثر آن روز بروز زیادت می شود - بتوان امپریالیسم را مهار کرد، حتی متروپل سوسیالیسم، یعنی اتحاد شوروی را برانو در خواهد آورد. ولی دالس در پایان عمر خود، باین حقیقت اعتراف کرد که سیاست او با موفقیت روبرو نشده است. امروز حتی آ. نائیر نیز اعتراف میکند که در صورت وقوع جنگ، آلمان غربی منهدم و نابود خواهد شد. باین ترتیب سیر زمان و تحول حوادث، نشان میدهد که امپریالیسم از راه انعقاد و تقویت پیمانهای نظامی قادر به حصول هیچیک از مقاصد خود نیست. تنها سیاست صحیحیکه میتواند بشریت را از گرداب یک جنگ اتمی نابود کننده نجات بخشد و وخامت اوضاع بین المللی را کاهش دهد، سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای سیستم های مختلف اجتماعی است. این همان سیاستی است که علیرغم تمام توطئه ها و تحریکات امپریالیستها، اتحاد شوروی پرچمدار آنست.

همین سیاست است که بیش از پیش، موافقت و پشتیبانی توده های ملل جهان را بخود جلب میکند. م. آذر

بقیه از صفحه ۱

# به پشتیبانی از خلق دلیر اسپانیا

بدیهی است که فرانکو نمی تواند بچنین سیاست خارجی هلاکت آوری ادامه دهد مگر آنکه در سیاست داخلی خود دیکتاتوری و خفقان را روز بروز شدت بخشد. ایجاد دستگاه های نفیض عقاید، دستگیری بی امان کلبه مخالفان، زجر و اعدام مبارزان سرسخت راه خلق نظیر خولیان گریمو فرزند قهرمان اسپانیا هدفی جز این ندارد. چندی پیش دولت فرانکو از حدود سرزمین اسپانیا با فراتر نهاد و در مذاکرات خود با فرانسه از ژنرال دوگل قول گرفت که مهاجران دموکرات و جمهوریخواه اسپانیایی را که در سال های بعد از ۱۹۳۶ از وطن خود بیرون آمده اند مورد تضيیقات جدید قرار دهد. اعتصابات عظیمی که در زمستان گذشته از کارگران زغال آغاز شد و مناطق وسیعی از اسپانیا را فراگرفت و ضربه شدیدی بر دیکتاتوری فرانکو وارد ساخت این بازمانده فاشیسم را به توسلات تازه ای در زمینه تشدید فشار واداشت. ولی نه عوام فریبی ها و نه جلادی های فرانکو نتوانسته است و نمیتواند خلق دلیر اسپانیا را تسلیم وادارد. تظاهراتی که در فوریه امسال مجدداً در بارسلون بخاطر صلح و برضد جنگ اتمی صورت گرفت شاهدهی بر این تسلیم ناپذیری است.

ملت ایران که خود دارای رژیم خونباری نظیر فرانکو میباشد درد و رنج ملت اسپانیا را بخوبی درک میکند. ملت ایران مانند سایر ملل آزاده جهان در مبارزه برضد فرانکو و در راه برقراری جمهوری پشتیبان ملت اسپانیاست.

به همین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در بیانیه خود در باره «وضع بین المللی حزب» با اتکاء به اعلامیه جلسه مشاوه ۱۹۶۰ احزاب برادر در مسکو تأکید میکنند که: «در شرایط همزیستی مسالمت آمیز امکانات مناسبی برای رشد مبارزه طبقاتی در کشور های سرمایه داری و جنبش نجات بخش ملی خلفا در کشور های مستعمره و وابسته بوجود میآید و متقابلاً موفقیتهای مبارزه طبقاتی و مبارزه نجات بخش ملی به تحکیم همزیستی مسالمت آمیز کمک میکنند.» م. نوری

# وحدت عمل عناصر توده ای

همسنگ سازمانهای ملی آن کشورها ایجاد کند. ویژگی کشور ما در آنست که حزب طبقه کارگر و اندیشه اش دارای نفوذ عمیق است و انکار ساده بر روی کفایت نمیتواند این واقعیت عینی را نابود کند. سعی در ایجاد مقابله خصمانه بین کمونیسم و ناسیونالیسم در ایران یعنی سعی در ایجاد عمیق ترین افتراق در زون جامعه، در سپاه خلق، در اردوی مبارزه مردم ایران، این عمل بزرگترین و موحش ترین ظلمات را به نهضت رهائی بخش کشور ما وارد میکند.

ناسیونالیسم را بمقابله خصمانه با کمونیسم وادارد و از این راه هر دو را بشدت تضعیف کند. خطائی که ما دوستانه میخواهیم نویسنده گان برخی از نشریات اروپائی چپه ملی (مانند «ایران آزاد» و «پیروز») را از آن برحذر داریم تلاش برای ندیدن این واقعیت، تلاش برای انکار درست وجود و ضرورت وجود حزب پرولتاریا در ایران یعنی حزب معتبر و پر او ازهای مانند حزب توده ایران است. برخی از این نویسندگان میکوشند استدلال کنند که حزب طراز نوین طبقه کارگر در ایران نه عملاً وجود دارد و نه اصولاً لازم است وجود داشته باشد زیرا گویا چپه ملی سازمان همه ملت ایران و از جمله کارگران است. چنین قضاوتی را باید ناشی از عدم درک خصلت سازمان طبقاتی سیاسی، عدم درک رسالت ویژه حزب طراز نوین کارگری، عدم درک این نکته بدیهی دانست که سازمان سیاسی مافوق طبقات وجود ندارد. اشتباه این آقایان در آنست که کشور ما را که در آن جنبش اصیل کارگری و انقلابی دارای یک تاریخ طولانی و سرشار و افتخار آمیز است، با برخی کشورهای اشتباه میکنند که پرولتاریایی آن کشورها هنوز نتوانسته است قدرتی

جمیت و عناصر مفرد، چند سال پس از پیدایش حزب توده ایران یعنی در سال ۱۳۲۸ برهبری آقای دکتر محمد مصدق پدید شد. آقای دکتر مصدق بسبب سوابق طولانی مبارزات میهن پرستانه خویش برای دفاع از حقوق ملی وطن ما، در میان مردم کشور دارای حیثیت و اعتبار آشکاری است و به همین جهت شخصیت وی توانست عناصر ملی و ضد امپریالیست را که نمیخواستند در راه حزب انقلابی پرولتاریا گم گذارند، بگرد خود جمع آورد و بدینسان سازمان چپه ملی ایران پدید شد. این سازمان در جریان نهضت ملی کردن صنایع نفت نقش فعال داشت و پس از شکست نهضت و غای رزم افتراقهای درونی توانست موجودیت خود را محفوظ دارد و با استفاده از شرایط مساعدی که برای وی از جهت کار علمی وجود دارد اخیراً نخستین کنگره خود را در تهران تشکیل داد.

پیدایش این دو نوع سازمان: سازمان انقلابی پرولتاریا و سازمان سیاسی عناصر ملی در کشور ما مظهری نیست. همین پدیده اجتماعی در کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین که از جهت سطح تکامل اجتماعی کمابیش با جامعه میهن ما همانند هستند، دیده میشود. در برخی از این کشورها مثلاً مانند آنتونزی بین این دو نوع سازمان روابط تقاض و همکاری برقرار است. امری که به تحکیم نهضت کمک شایانی میکند و در برخی دیگر، مثلاً مانند عراق امپریالیسم موفق شده است

چپه ملی ایران در نتیجه تجمع چند حزب و



### مدافع از کودکان خود بر خیریم

میایست قالیبافی کنند. « این زحمتکش تیره روز اکثرآ در اثر ابتلا به بیماری سل ، تراخم ، فلج ستون فقرات بچوانی نرسیده میمیرند . در کارخانه های شیشه پاک کنی ، صابون پزی ، کبریت سازی و کوره پزخانه ها کودکان بهمین ترتیب در شرایط غیر انسانی بکار ادامه میدهند . چه بسیار کودکان نه غذا و دوا دارند و نه طیب و مدرسه و از پنج شش سالگی همراه با پدران و مادران خود کار میکنند . در شهرها حتی کودکانیکه موفق بتحصیل میشوند بعلت فقر خانواده خود با انواع مشکلات روبرو هستند . جمعی در نیمه راه معجزه به ترک تحصیل میشوند و عده ای با تحمل شدائد فراوان به تحصیل ادامه میدهند . وزیر سابق فرهنگ در دوران تصدی خود اعتراف کرد که از ۷۵۰۰ نفر دانش آموز در وحیدیه ۷۰۰۰ نفر کفش نداشتند و پاره نه بدمدرسه میرفتند .

در چنین جهنمی است که شاه و فرح در مصاحبه های خود با خبرنگاران خارجی و داخلی ، زندگی افسانه ای و پرتحمل دردانه خود ، کاخ مخصوص او ، پرستار مخصوص او ، تلفن مخصوص او و گارد مخصوص او را بر رخ میکنند ، اینجاست که بی اختیار این سؤال مطرح میشود : چگونه میتوان دعوی انسانیت داشت و در میان این فقر و تیره روزی عجیب ، اینهمه مرگ و میر پیشرس ، این نبوه کودکان لخت و عور ، یک چنین زندگی پرتحمل برای کودک خود فراهم آورد ؟ چگونه میتوان مرگ و میر ۹۰٪ کودکان کشور را نادیده گرفت و صفحات روزنامه ها و مجلات را از توصیف تندرستی و شادابی کودک خود پر کرد ؟ چگونه میتوان شکمهای گرسنه میلیونها کودک معصوم را از پای برد و سفره رنگین و صبحانه لذیذ و الاحضرت ! را به رخ مردم کشید ؟

برای آنکه به این تفاوت فاحش بین زندگی میلیونها کودک ایرانی و دردانه های خاندان پهلوی و هزار فامیل مفتخوار پاپان داده شود ، برای آنکه حد اقل زندگی برای کودکان بیگناه فراهم گردد ، برای آنکه پدران و مادران در غم فقر و گرسنگی

## وظیفه ملی سپاه دانش

دولت ظلم و ستم میبندد و رنج و درد و توستری خوری و تیره روزی را حس میکند . باید آنها را به نیروئی که در خودشان نهفته است واقف ساخت و آنها را بمقاومت و پایداری واداشت و عملا به آنها یاری رساند . باید اعتماد دهقانان را از راه تماس برادرانه و معاشرت با آنها جلب کرد . دهقان ایرانی از شهری باک دارد زیرا کسانیکه از شهر تاکنون بسراغ او رفته اند جز اذیت و آزار ، جز تحقیر و توهین چیزی بارمغان برایش نبرده اند . ژاندارم ، مأمورین نظام وظیفه ، مأمورین مالیات ، مالک و نوکرانش نمونه هائی از مردم شهری هستند که بسروقت دهقان رفته اند . جوانان سپاه دانش باید در محل دهقانان نشان بدهند که آنها ارث مالک و ژاندارم نیستند بلکه برادران هموطن آنها هستند که میخواهند یار شاطر باشند نه بار خاطر . مسلم است که افراد سپاه دانش را هم دستگاه پلیسی شاه آزاد نمیگذارد بلکه آنها را تابع مقررات نظامی کرده تا اگر از حدود و ثغور دلخواه دولت پافراتر گذارند بمحاکم نظامی بکشاند . ولی این دستگاه چه بخواد و چه نخواهد نمیتواند از تماس غیرقابل اجتناب این افراد با مردم ده نشین جلوگیری نماید . مسئله اساسی اینست که افراد سپاه دانش وظیفه ملی و انسانی خود را که آگاه کردن دهقانان ، کمک عملی بآنها و نشان دادن راه مبارزه است در نظر داشته باشند و این وظیفه را در چهارچوب امکانات بنحو شایسته ای انجام دهند .

م. سمیری

و بیماری کودکان خود سرشک تلخ از دیده نبارند باید متحدآ برای نجات کودکان اقدام نمود ، باید مبارزه کرد تا بجای میلیاردها هزینه زائد ، حداقل زندگی برای کودکان فراهم شود .

میوه

## کنگره جهانی زنان در مسکو از ۲۴ تا ۲۹ ژوئن ۱۹۶۳

کرده است . اکنون فدراسیون خود را برای تشکیل کنگره دیگری در ماه ژوئن در مسکو آماده مینماید و پیامی باین مناسبت بزنان سراسر جهان فرستاده است :

\*\*\*

پیام شورای فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان بمناسبت کنگره بین المللی زنان در مسکو

در زندگی اجتماعی ملت های همه جهان نقش زن روز بروز افزون میگردد .

در موفقیت هائی که تا کنون در راه صلح و استقلال ملی و دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی نصیب ملل مختلف شده است زنان سهم بزرگی داشته اند .

زنان در راه صلح که زندگیشان بدان وابسته است ، در راه کار خلاق و آینه سعادتمند با اشتیاق و میل فراوان فعالیت مینمایند . زنان برای برسمت شناختن حق مادری ، حق کار و حق اجتماعی و مساوات کامل در خانواده کوششی خستگی ناپذیر میکنند .

زنان برای سعادت کودکان که پرورش ترین ثروت دنیای فرداست از هیچگونه فعالیت دریغ نمیزورند .

ولی هنوز موانع بسیاری در راه عملی شدن خواستها و تقاضاهایشان وجود دارد و تنها اتحاد و همبستگی قوای کلیه زنان جهان است که میتواند این موانع را از بین برده و آنها را به هدف مشترک نهائی برساند .

از تاریخ ۲۴ تا ۲۹ ژوئن بنا بر دعوت فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان کنگره مسکو تشکیل میگردد .

این کنگره بکلیه زنان جهان صرف نظر از نژاد و کار و مذهب و عقیده سیاسی امکان میدهد که بوسیله تبادل نظر و بررسی و مطالعه تجارب یکدیگر تصمیماتی برای کامیابی در حل مسائل حیاتی که قابل توجه همگان باشد اتخاذ نمایند . این کنگره متعلق به کلیه زنان صلح طلب ، کارگر و دهقان و روشنفکر و مادرانی که مدافع زندگی فرزندان شان هستند میباشد . این کنگره به پیشبینی زنان کلیه کشور

های جهان امیدوار است . پیشبینی سازمان های وابسته بفدراسیون دموکراتیک جهان زنان پیشبینی سایر سازمانها و نهضت های زنان و به پیشبینی شخصیتهای مترقی زنان امیدوار است . فدراسیون دموکراتیک زنان از شما دعوت مینماید که از پیشبینی و شرکت در کنگره جهانی زنان که دستور روزش بشرح زیر است غفلت نوزید .

- (۱) خلع سلاح عمومی و کامل - صلح پایدار - حق حاکمیت و استقلال ملی - آزادی های دموکراتیک که شایسته جامعه انسانست .
- (۲) طرق بدست آوردن و تأمین و دفاع از حقوق زن اعم از مادر و کارگر و یاهموطن .
- (۳) دفاع از حق حیات و بهداشت و تعلیم و تربیت کلیه کودکان .

بدیهی است که احترام متقابل و اعتماد و تفاهم مشترک و دوستی بین زنان کلیه کشورها در محیط این کنگره امکان یک مباحثه و تبادل افکار وسیع و در نتیجه موفقیت کار کنگره را تأمین خواهد کرد .

مادران ! کارگران ! زنان !

این کنگره متعلق بشماست . شرکت شما و شرکت سازمانهای شما بقوای متشکل زنان همه جهان در مبارزه برای تأمین صلح پایدار استقلال ملی ، حقوق زن و سعادت کودک کمک مؤثری خواهد کرد .

بقیه از صفحه ۴

### بلائی بیکاری

حکومت میکند ، بلائی بیکاری نه تنها تنگنای نخواهد یافت ، بلکه سال بسال گروه های تازه ای به خیل عظیم بیکاران افزوده خواهند شد . رفع بیکاری مستلزم تحول عمیق در کلیه شئون کشور است . تنها با تعقیب سیاست اقتصادی ملی و مستقل ، کوتاه کردن دست استعمار از حیات اقتصاد و سیاسی مین ما ، برانداختن منطقی بقایای رژیم ارباب - رعیتی از ده ، کمکهای مادی و فنی مؤثر به دهقانان جهت رونق کشاورزی ، حمایت از صنایع داخلی و تقویت و توسعه همه جانبه این صنایع ، پیروی از سیاست صحیح در رشته بازرگانی خارجی میتوان بلائی بیکاری را از کشور بر انداخت . اما انجام این اقدامات کار رژیم دست نشانده شاه نیست .

شدید امپریالیستها و ارتجاع ایران خواهد بود و نیز اگر در جبهه ملی عناصری باشند که بخوانند با بروز روش ضد توده ای و جاب اعتماد امپریالیستها شانس خود را برای احراز قدرت و مقام بیشتر کنند آنها نیز مسلماً حق دارند که از این حادثه ناخرسند گردند . ولی مردم ، نهضت ، تاریخ از آن قطع و فقط شادمان و خشنود خواهند شد و نسلهای آتی بفرزانی آن رهبرانی که در راه تأمین و تحقق چنین وحدت عملی گام برداشته اند آفرین خواهد خوانند .

این اواخر در اسناد و اوراق منتشره از جانب جبهه ملی بارها بافرااد 'زود باوری' اشاره میشود که معتقدند بنیاد وحدت طلبی مکرر در مکرر حزب توده ایران باید پاسخ مساعد داد . در این اوراق بسختی وبه تلخی این افراد مورد سرزنش قرار میگردد . این اشارات حاکی از آنست که اندیشه منطقی وحدت عمل توده ای و صدیقی که حزب ما با سرسختی دنبال کرده و دنبال خواهد کرد ، در میان افراد بیغرض و صدیق جبهه ملی اعم از افراد ساده یا مسئول چناندرانی دارد . یورشهای شدید و خشن روزنامه های 'ایران آزاده' و 'پیروز' را بحزب ما باید واکنش عناصر نقاتی افکن در قبال این تمایل سالم دانست . حزب ما با بار بار صداقت صبورانه خواهد کوشید تا همکاری عناصر توده ای و ملی را که یک ضرورت مبرم تاریخی است در وطن ما عملی کند و از بروز مخاصمات مضرترادو گمراه خلق ، امری که مایه شادی دشمن است ، حتی المقدور جلوگیری بعمل آورد .

در مبارزه علیه استبداد سلطنتی ، بخاطر نیل بحکومت ملی ، در مبارزه برای تأمین ترقی کشور نظریات مشترک دارند و یامیتوانند داشته باشند . دشمنان این دو سازمان مشترکند . سرنوشته این دو سازمان نیز در شرایط کنونی از برخی جهات همانند است . همه این وجوه مشترک امکان وحدت عمل ، امکان تعیین هدفهای یکسان و وسائل مشترک نیل باین هدفها را پدید میآورد . درصالحات و وطن است که این وحدت عمل بیدرتنگ و بیدریغ تحقق یابد .

چگونه میتوان خود را مین پرست نامید و بجای کمک بتحقق این وحدت عمل ضد استعماری و ضد استبدادی ، در تعمیم تناقضات بین جبهه ملی و حزب توده ایران کوشید و نقشه بجان یکدیگر انداخت ؟ ناسیونالیستها و کمونیستها را عملی ساخت ؟ کیست که درک نکند عمل در سمت یک چنین نقشه معتر و نقش مغربی ، دانسته یا نادانسته عمل در سمت تعامیلات امپریالیسم و ارتجاع است ؟ ما توده ایها ایجاد این وحدت عمل را بمثابه یک 'بیرنگ تاکتیکی' ، بعین نمیکشیم زیرا ما برآنیم که نه تنها میتوانیم در راه اجراء وظیفه دشوار سرنگونی سلطه امپریالیسم و استبداد سلطنتی در ایران دوشادوش یکدیگر گام برداریم ، بلکه در ایجاد ایران نو نیز متحدآ عمل کنیم . امروز فرخنده ای که این وحدت عمل اعلام گردد و تحقق پذیرد ، مسلماً روز برفاشتگی

## وملی یک ضرورت تاریخی است

می بیند ، آزاد ر محاسبات سیاسی و اجتماعی خود وارد میکند ، روابط خود را باوی بر پایه مقتضیات و ضرورت های رشد نهضت مبتنی میسازد ؛ اشتباهات خود را در محاسبات با این سازمان رفع میکند ، و در طریق وحدت عمل با وی برای نیل بهدفهای مشترک با تمام قوی مجاهد مینماید . درست در ایامی که قلم کین افشان برخی نویسندگان عضو جبهه ملی در جرید منتشره در اروپا مشغول نگارش مقالاتی اشباع از احساس خصوصیت و تعقیر و توهین واتهام بحزب توده بوده است ، مطوعات ما و رادیوی بیگ ایران سخنگوی حزب ما با علاقه و مصممیت برای آزادی آقای دکتر محمد مصدق ، آزادی زندانیان سیاسی جبهه ملی ، مدافعه حقوق اجتماعی جبهه ملی مبارزه میکرده اند و میکنند . حزب ما در آینده نیز علیرغم روش نقاتی افکنانه برخی از اعضاء جبهه ملی چنین خواهد کرد .

به ایران و خلفه های ساکن این سرزمین ، به استقلال اقتصادی و سیاسی ایران ، به تمامیت ارضی ایران ، گذشته سرشار از افتخار ، به فرهنگ عالی و در اقتدرش انباشته است و راهی را که وی برگزیده است تنهاری است که میتواند ، هماهنگ با تکمیل کاروان بشری ، و طش را به مرزهای تابناک ترقی و آزادی و سوسیالیسم بوساند . انترناسیونالیسم حزب ما ناشی از درک علمی و بزرگپهای رشد کنونی بشری و درک این حقیقت است که سرکوب امپریالیسم و سرمایه داری بدون همبستگی عظیم جهانی همه توده های محروم و خلقهای اسیر محال است . بهترین دلیل اصالت عواطف اندیشه های مین پرستانه توده ایها آنست که این اندیشه ها برای آنها جز مرگ ، زندان ، تبعید ، جلاء وطن و انواع محرومیت های دیگر ، چیزی ببار نیاورده است و کسانی که عشق از اعشار این مصائب را متحمل نشده اند بهتر است از تشکیک در صداقت و اصالت این عواطف و اندیشه ها خوداری ورزند . ولی حزب توده ایران هرگز در جاده انکار وجود و نقش اجتماعی سازمان سیاسی ملیون ایران یعنی جبهه ملی پای نمیکندارد . حزب ما این واقیعت را



# مردم بدافع از کودکان خود

کارکنان دبیرستان

## برخیزیم

بد نیست شرایط کار این کودکان زحمتکش را از زبان آن روزنامه های امریکاکه در ارادستان نسبت برژیم شاه تردید نیست بشنویم . سال گذشته «ویکتور ریسل» نویسنده روزنامه امریکائی «دیلی میروز» از ایران دیدن کرد . او پس از مراجعت در شماره ۱۰ اوت آن روزنامه نوشت : «در کارخانه های پاپه بافی ایران من کارگران ۱۰ با ۱۲ ساله ای را دیدم که روزانه فقط یک تومان مزد می گرفتند ، بله فقط یک تومان . من از این واقعت تلخ گریستم» . روزنامه نیویورک تایمز که خبر نگارش از کارخانه های قالیبافی ایران دیدن کرده بود در شماره ۱۰ نوامبر ۱۹۶۱ نوشت : «در کارخانه ای که معروف به بهترین کارخانه قالیبافی اصفهان بود بافندگان کوچکولی ۷ تا ۱۲ ساله کار میکردند . بعضی از این بچه ها بعلت بیماری قادر بکار نبودند . دخترک خردسالی چون یک عروسک ژنده پوش روی نیمکت کنار همقطارانش از هوش رفته بود .»

خبرنگار یکی از روزنامه های تهران نیز وضع کودکان قالیباف را بدین شرح توصیف میکند: «در یک دخمه تاریک و نمناک و پر از گرد و خاک و حشرات موجوداتی ملوک را در سنین ۱۰ تا ۱۵ سالگی دیدم که با سر انگشتان ظریف خود بیاتن قالی مشغول بودند . چند حلب بزین ، چند تنه درخت باریک پر از برجستگی و فرورفتگی ، بی آنکه حتی آنرا با اهر صاف کرده باشند گذارده بودند و آن اطفال معصوم از سر آفتاب تا غروب بقیه در صفحه ۳

روز اول ژوئن در اکثر کشورهای جهان روز بین المللی کودک برگزار شد . برگزاری این روز با تشکیل جشنها ، میتینگها و دمنوسترسیونهای درباره کودکان توأم بود . در کشور ما نیز در دوران اعتلاء نهضت ملی در این روز فعالیت وسیعی در سراسر کشور برای طرح مطالبات کودکان انجام میگرفت . اما اکنون سالهاست که امکان هر نوع مبارزه علنی از پدران و مادران سلب گردیده است ، ضمن آنکه موجبات مبارزه خیلی شدیدتر از پیش وجود دارد . توجه مختصری بزندگی کودکان ایران نشان میدهد که آنها از تیره روزترین کودکان جهانند . ایران از کشورهای ثبست که از لحاظ کثرت مرگ و میر کودکان مقام اول را دارند . کمتر کشوریست که کودکان آن تا این درجه علیل و مریض ، آواره و بسواد و بیسرا انجام باشند . روزی نیست که روزنامه های خبری عصر شرحی از مرگ و میر کودکان از خرید و فروش آنان و از سرنوشت تباه نوزادان سرراهی نداشته باشند : کودکانیکه زیر چرخهای اتومبیل از بین میروند ، از یدوآئی و بیغذائی میمیرند ، در آب خفه میشوند ، در آزاره یک جفت بزغاله معاوضه میشوند و گاه حتی بدست پدران و مادران گرسنه و عاصی خویش رشته حیاتشان قطع میگردد . سرنوشت دردناک و اندوهباری کودکان ما را در کام خود کشیده است . مرگ و میر کودکان در دهات ایران بقرم موحش ۹۰ درصد میرسد .

چند سال پیش پس از سرشماری که در سراسر کشور انجام گرفت اعلام شد که حد متوسط سن در ایران ۳۶ سال است . عده ای از پزشکان بدرستی اظهار نظر کردند که علت کمی حد متوسط سن ، مرگ و میر کودکان نوزاد و اطفال خرد سال در ایران است . باید توجه داشت که امروزه در کشورهای سوسیالیستی جهان اقدامات جدی برای جلوگیری از اتلاف کودکان انجام میگردد . در اتحاد شوروی میزان مرگ و میر در بین کودکان به ۳ در هزار و در کشور چکوسلواکی به ۱۳ در هزار رسیده است . مقایسه ارقام ۳ در هزار و ۱۳ در هزار با رقم ۹۰ درصد مرگ و میر کودکان در دهات ایران ، نشان میدهد که کودکان ایرانی چه سرنوشت اسفباری دارند . از مرگ و میر کودکان که بگذریم ، زندگی توأم با فقر و رنج آنان دل هر انسان را برد میآورد . اکثریت کودکان ما باعتراف مکرر وزرای فرهنگ شاه امکان تحصیل ندارند و در نتیجه مجبور میشوند برای کمک بگذران خانواده های تهیدست خویش از سنین ۵-۶ سالگی بکار در مزارع و کارگاهها و کارخانه ها بپردازند .

دو سال پیش سمینار مسائل اجتماعی تهران اعلام نمود : «از بچه های ۷ تا ۱۲ ساله فقط ۸ درصد مدرسه میروند ، بقیه برای تأمین مخارج خانه بعنوان کارگر در کارخانه ها کار میکنند .» سمینار تأکید نمود که : «در کارخانه ها بیشتر از وجود بچه ها استفاده میکنند چون مزد یک کارگر بزرگ را به سه بچه میدهند و از هر کدام آنها نسبت یک کارگر بزرگ کار میکنند .»

# وظیفه ملی سپاه دانش

روز ۲۴ اردیبهشت شاه از ۲۴۶۱ نفر جوان دیلمه که اینک بعنوان سپاه دانش و با حقوق گروهان وظیفه بدهات اعزام شده اند رژه گرفت . دکتر خانلری ضمن گزارش خود اعلام داشت که باین جوانان در مدت چهار ماه «اصولی از امور اجتماعی و نکاتی از طرز تشکیل شرکتهای تعاونی و اطلاعاتی از مسائل بهداشتی و کمکهای نخستین» آموخته شده و «پورزش و تربیت بدنی و اصول پیشانگی هم در طی دوره تعلیماتی توجه کافی بعمل آمده است ، در تربیت اخلاقی و تعلیمات دهی سپاهیان دانش نیز سعی وافیه شده است» . علاوه بر همه اینها روش تعلیم را فرا گرفته و بخدمات نظامی هم آشنا شده اند !

هدف ما در این مقاله بیان ماهیت اقدام شاه

## بلای بیکاری

در سالهای پس از کودتا ، بیکاری در کشور شدت روزافزونی یافته است ، بموجب آمارهای منتشره در جراید تهران اکنون بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ نفر در سراسر کشور بیکار وجود دارد . این رقم در مقایسه با نیروی شاغل ، در یک کشور ۲۱ میلیونی رقم بسیار بزرگیست . اجرای سیاست درهای باز بابتکار شخص شاه ، رقابت کمر شکن کالا های خارجی ، عدم توازن صادرات و واردات ، عقب ماندگی شدید صنعتی و کشاورزی کشور همه و همه موجب شده است که تمام رشته های تولیدی دچار یک نوع وقفه و تعطیل موقت و بیادامه گردند . نتیجه چنین وضعی افزایش دائمی بیکاران است . صنایع جوان کشور به علت رقابت شدید کالا های خارجی و عدم رونق بازار ، عده ای از کارگران خود را اخراج کرده اند ، کنسرسیوم نفت در سالهای اخیر دهها هزار کارگر نفت را از کار اخراج نموده است . روزنامه های کشور مینویسند بر اثر سیاست اقتصادی دولت صاحبان بیش از ۳۰۰ حرفه بیکارند . فقر شدیدیونیز ظلم و ستم ناشی از رژیم ارباب برجستی جمع کثیری از دهقانان را به شهر رانده و چون در شهرها هم کاری برای آنها نیست طبعاً به ارتش بیکاران پیوسته اند . در یکی دوسال اخیر نیز گروه تازه ای از دهقانان به شهرها سرازیر شده اند . در دهات مشمول قانون اصلاحات ارضی ، مالکان برای آنکه ملک خود را بدون رعیت معرفی کنند عده ای از دهقانان را با فریب و تهدید و زور از ده بیرون کرده اند ، در دهات غیر مشمول جمعی از کشاورزان بعنوان «اخلالگر» از ده اخراج شده اند . توقف امور ساختمانی در سالهای اخیر که ناشی از کساد بازار و اقتصاد ورشکسته کشور است خود منبع دیگری برای افزایش بیکاران بوده است . عده زیادی از کارگران ساختمانی ، کارگران آجربری و کارخانه های سیمان بیکار شده اند . در سه سال اخیر بیش از ۵۰۰۰ کارگر کوره یز خانه بهمین علت از کار اخراج گردیده اند . رکود فعالیت تجارتهای موجب بیکاری هزاران نفر شده است . در مورد روشنفکران نیز بیکاری بیادامه میگذرد . همه ساله در حدود ۲۲۰۰۰ نفر دانش آموز دوره دبیرستانها را بیایمان می رسانند . از این عده در حدود ۳۵۰۰ نفر به دانشگاه تهران و دانشگاههای شهرستانها پذیرفته میشوند و به جمع انبوه بیکاران می پیوندند . یک آلهی استخدام ماشین نویس و دفتردار کافی است که صدها داوطلب دیلمه و لیسانسیه به اداره و مؤسسه مربوطه هجوم آورند .

شاه و نخست وزیرانش پیوسته وعده تهیه کار برای بیکاران داده اند اما این وعده ها هم مانند سایر مواعید رژیم پوچ و توخالی بوده است . به بر نامه هر یک از دولت های پس از کودتا نگاه کنید ، تهیه کار برای بیکاران یکی از مواد اساسی برنامه آنها بوده است . ولی مادام که رژیم دست نشانده استعمال بر کشور بقیه در صفحه ۳

## به پشتیبانی از

## خلق دلیر اسپانیا

اسپانیای فرانکو در اروپا یکی از منابع تحریکات ضد صلح است . از سپتامبر ۱۹۵۳ که اسپانیا بایگانه های نظامی باامریالیسم امریکا داد این خطر بوجه بارزی ظهور کرد و در سالها ماههای اخیر در اثر نقشه و گذاری ایستگاه دربنادر جنوبی اسپانیا بزریر دبایتهای حامل پولاریس و نیز در اثر عقد پیمانهای تجاوز کارانه با امیریالیسم آلمان غربی و فرانسه خطر مذکور شدت گرفت . با توجه باینکه تسلط امریکا بر مدیترانه باعث خواهد شد که توسعه اقتصادی ، سیاسی و همچنین امنیت یک سلسله از کشورها تحت نظارت وی درآید و با توجه باینکه تدارکات جنگ اتمی با سرنوشت تمام بشریت ارتباط دارد بخوبی میتوان به اهمیت حوادثی که در اسپانیای فرانکو میگذرد پی برد .

چندی پیش نخست وزیر اتحاد شوروی کاملاً بدرستی خاطر نشان ساخت که « بدون تردید احیاء دموکراسی در اسپانیا کمک بزرگی ببارزه مشترک ملت های اروپا در راه رفع تشنج ، خلع سلاح ، صلح و دموکراسی خواهد بود .»

بقیه در صفحه ۲

در ایجاد سپاه دانش و یا افزایش دروغهای شاخدار وزیر فرهنگ که در چهار ماه توانسته اند اینهمه مسواد را بسپاهیان دانش بیاموزند نیست . ما در موقع خود ماهیت این اقدام را فاش کردیم ، روی سخن ما در اینجا با جوانانی است که بهر حال آنها را بعنوان سپاه دانش بدهستانها اعزام کرده اند . این جوانان که دوره چهارماهه تعلیمات خود را در پادگاههای نظامی گذرانده اند بخوبی دریافته اند که هدف تعلیماتی ارتش و محور تعلیمات چهارساله آنها چه بوده است . مراسم سوگند وفاداری به شاه خلاصه و شیریه این تعلیمات است که در آخرین روز در حضور شاه انجام داده اند . اینک دوره دوازده ماهه کار آنها در دهات آغاز گردیده است . این یک دوران ذقیقت و فرصتست که باید آنرا

مغتنم شمردند و از آن واقعاً نفع توده های میلیونی دهقان استفاده کنند ، برای این جوانان دوره تعلیمات واقعی شناخت حقیقت زندگی اکثریت مردم ایران از راه حس و مشاهده فرا رسیده است . دوره دوازده ماهه ای که این جوانان باید بتعلیم کودکان بپردازند قبل از هر چیز برای خود آنها دوره آموزنده ایست که در آن به بسیاری از سیهکاریهای طبقه حاکمه ایران میتوانند پی ببرند و فقر و پریشانی و مظلومیت و محرومیت توده های هموطنان را ببینند . چهره های سوخته و پرچین دهقانان و بدنهای عریان کودکان بهترین گواه بر ضدملی بودن حکومت جبار شاه و گویاترین اثربست که از تسلط اجانب و حکومت های فاسد و ظلم بی پایان مالکان در سرتاسر دهات ایران نمایان است . بدون تردید دیدن وضع رقت بار ده نشینان ، احساسات انسانی ومیمن دوستی اکثر افراد سپاه دانش را برمیانگیزد و آنها را در مقابل وظایفی قرار میدهد که باید با سربلندی و شرافتمندانه آنها را انجام دهند . هم اکنون مبارزه حاد و وسیعی در دهات ایران جریان دارد . دهقانان میخواهند با استفاده از وعده های شاه و حکومت های امینی و علم که بصورت قانون اصلاح ارضی در آمده مالک دسترنج خود شوند و کمربراکه فقرها زیر بار فشار و تعدی مالکان غارتگر خم شده آزاد نمایند . اما مالکان که مانند زالوسالبا خون دهقانان را میکده اند سرسختی و مقاومت میکنند و بانواع حیل دست میزنند تا باستمارشیرحمانه خود ادامه دهند . در این میان شاه و حکومت که خود وعده آب و خاک بدهقانان داده اند با صدور دستورات غلاظ و شداد بنام حفظ نظم (!) و در عین حال محدود کردن دامنه اصلاحات ارضی و دفع الوقت در اجرای آن عملاً بمالکان کمک میکنند . در قبال چنین وضعیست که دهقانان راهی جز ندادن بهره مالکانه و برداشت کامل محصول خود ندارند . وظیفه افراد سپاه دانش اینست که در این مبارزه یار و مددکار دهقانان باشند . آنها باید بدهقانان راه مبارزه را که در اتحاد آنهاست نشان دهند ، آنها را بحقوق خود آشنا سازند و بجای آنکه مبلغ دستگاه دیکتاتوری شاه باشند خدمتگذار صدیق خاکی شوند . دهقان ایرانی هزاران درد دارد که بیسودی بیطیبی و یدوآئی جزئی از آنهاست . دهقان ایرانی از مالک ، از کدخدا ، از ژاندارم ، از مأموران

بقیه در صفحه ۳

دهقانان ایران ! از پرداخت بهره مالکانه و اقساط زمینهای تقسیم شده ، که باید بر ایگان بشما داده شود ، خودداری کنید .